

روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟

علی اکبر جعفری*

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

وحید ذوالفقاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی - آلمان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۰ - تاریخ تصویب ۱۳۹۲/۵/۲۵)

چکیده

روسیه و ایران یکی از تباری اروپایی و نژادی اسلاو و دیگری از تباری آسیایی و نژادی غیراسلاو هستند. متناسب با نوع برداشت از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود، به ایفای نقش در نظم‌سازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازند. تغییرهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و تفاوت رویکردهای اعلامی و اعمالی، تغییرهای تاریخ‌سازی را در عرصه‌های تقابل یا تعامل میان دو کشور ایجاد کرده، به‌گونه‌ای که چگونگی و چرایی ناپایداری این رابطه را، در مقام پرسش این پژوهش نشانده است. در بیان چگونگی شکنندگی رابطه بین ایران و روسیه، باید به تفاوت سطح و تقابل ادراک دو کشور اشاره کرد؛ بدین معنا که نگاه روسیه به ایران، تاکتیکی و ابزاری و در سطح مسایل منطقه‌ای و دوجانبه است، درحالی که نگاه ایران به روسیه، آرمانی و مبتنی بر عقلانیت ایدئولوژیک و در سطح مسایل کلان است. اما در پاسخ به چرایی موضوع، باید به برتری نگاه ژئوپلیتیک بر ژئواکونومیک اشاره کرد. بدین ترتیب که، ماهیت سیاسی روابط ایران و روسیه، بر ماهیت اقتصادی آن سایه افکننده است.

کلید واژه‌ها

همگرایی، نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، واگرایی، ایران، روسیه

* Email: a.jafari@umz.ac.ir

مقدمه

بروز دگرگونی در نظام جهانی با فروپاشی شرق و گسترش دامنه رقابت‌های جمعی و فردی بین دولت‌ها در سطح‌های جهانی و منطقه‌ای و توسعه فرآیندهای همگرایی و واگرایی در رفتار دولت‌ها، سبب دگرگونی در قلمرو و ابعاد تحلیلی و اثربخشی ژئوپلیتیک در کشورهای هزاره سوم شده است؛ به شیوه‌ای که بر پویایی و غنای این بخش از جایگاه تحلیلی کشورها، به‌ویژه در یکی دو دهه اخیر افزوده است و آن را در شمار تحلیل‌های فعال و جذاب سیاسی و تعاملات دولت‌ها قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه بر اساس نوع برداشت از ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی و خارجی خود، به تبیین و تحلیل سیاست خارجی خود در روابط دو جانبه می‌پردازند. در واقع روابط ایران و روسیه، همواره فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. به‌شکلی که گاهی زمان‌ها دو کشور آنچنان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که صحبت از مشارکت راهبردی آنها به‌میان آمده و گاهی نیز چنان از هم فاصله گرفته‌اند که به مرز تیرگی در روابط رسیده‌اند.

بنابراین، روابط ایران و روسیه را می‌توان در سه رهیافت خوش بینانه، بدبینانه و منفعت-محور خلاصه کرد. بر اساس رویکرد خوش‌بینانه و آرمان‌گرا، بر جنبه‌های مثبت روابط ایران و روسیه نظر افکنده می‌شود و دو کشور، متحد راهبردی یکدیگر به حساب می‌آیند. حتی برخی از طرفداران این نظریه، به‌دنبال استفاده از نظریه برخورد تمدن‌ها و نظریه توطئه، برای تحلیل روابط ایران و روسیه هستند. بدین ترتیب که، ایران و روسیه باید به‌عنوان دو تمدن بزرگ، با یکدیگر علیه لیبرال دموکراسی غربی متحد شوند. در طیف مقابل، رویکرد واقع‌گرایی و به تعبیری بدبینانه مطرح است. از نگاه این رویکرد، سیاست‌های روسیه در ادامه سیاست‌های تزاریستی ارزیابی می‌شود. بر این اساس، روس‌ها درحال حاضر نیز در پی احیای تسلط تاریخی خود بر منطقه هستند بنابراین دو کشور، هیچ‌گونه ترجیح‌های مشترکی ندارند.

در مقابل این دو دیدگاه، رهیافت سومی با عنوان نگاه انتفاعی و منفعت‌محور مطرح می‌شود که منافع ملی را تنها معیار سنجش سیاست خارجی می‌داند. بنابر این دیدگاه، روسیه متحد راهبردی ایران نیست، بلکه متحد تاکتیکی ایران است. بر این اساس، روابط ایران و روسیه همواره با نگاه امنیتی همراه است؛ نگاهی که بر تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی سایه افکنده

و همچنان سنگینی می‌کند. بدین ترتیب، رویکرد زیگزاگی در سیاست خارجی روسیه و نوسان پاندولی آن بین شرق و غرب از یک‌سو، و نیز سیاست‌های ایران در مقابل روسیه و دیدگاه‌های متفاوت نخبگان و داشتن نگاه مونیستی به مسایل از سوی دیگر، سبب شده است تا توسعه روابط تهران-مسکو، یک روند منطقی را طی نکرده و این روابط همچنان شکننده باشد. این موضوع تنها سبب می‌شود تا شکاف در روابط تهران-مسکو عمیق‌تر شود.

در چارچوب این رهیافت‌های سه‌گانه و تجربه ترتیب گسترده‌ای از شکل‌های حکمرانی، که از استبداد تزاری و تام‌گرایی استالینی در روسیه تا استبداد شرقی و دین‌سالاری اسلامی در ایران را شامل می‌شود، سلسله‌ای از مسائل کلان، به‌عنوان برآیندی از تفاوت‌ها و شباهت‌های ایران و روسیه تولید شده است. تفاوت‌ها، شامل تحدید حدود دریای خزر، نگرانی ایران از تأخیر مداوم روسیه در راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر، مسایل نفتی، توافق خرید تسلیحاتی، روابط روسیه و اسرائیل و چگونگی حل مسئله انرژی هسته‌ای ایران می‌شود. اما شباهت‌های دو کشور اعتماد-نداشتن به آمریکا و غرب، نگرانی مشترک از خیزش تندروی سنی و هدف‌های مشترک در قفقاز (شمال و جنوب) و آسیای مرکزی است (Katz, 2013, p. 1). با توجه به وجود فرصت‌ها و تهدیدهای متقابل، روسیه و ایران از دو نگاه و زاویه مختلف به یکدیگر می‌نگرند که بر اساس نوع تعریف دو کشور از سیاست خارجی و داخلی‌شان است. با توجه به این ملاحظه‌ها، این نوشتار در پی واکاوی سرشت روابط دو کشور روسیه و ایران در دوران حاکمیت کمونیسم و پسا کمونیسم است. به بیان دیگر، این نوشتار می‌خواهد به بررسی روابط همراه با نوسان ایران و روسیه در دوره‌های مختلف، به‌ویژه دوران معاصر بپردازد. بنابراین، از روش جامعه‌شناسی تاریخی و رهیافت توصیفی-تاریخی برای بررسی موضوع پژوهش استفاده شده است.

روابط روسیه و ایران در دوران پسا کمونیسم، همگرایی یا واگرایی؟

سقوط کمونیسم در اروپا در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۹، نه فقط دلیل بر پایان رویارویی ژئوپلیتیکی نظام‌های اجتماعی رقیب بود، بلکه بیانگر گذشتن از ستیز ایدئولوژیکی سوسیالیسم و سرمایه‌داری نیز بود. این ستیز ایدئولوژیکی در سال‌های پس از انقلاب بلشویکی، شکل رویارویی بین دولت‌ها را به‌خود گرفته بود؛ اما دینامیک آشکاری داشت که از سرنوشت هر کشور خاصی جدا بود. با فروپاشی بلوک شرق و گذار به عصر پسا کمونیستی، سیاست‌های رادیکال کمونیسم

جای خود را به رهیافت‌های جمع‌گرا، ناهمگن و متنوع داده است. در واقع، این تغییر ژئوپلیتیک در اردوگاه شرق، با تحولات ساختاری خود منجر به ظهور کشورهایی با خصوصیت‌های جدید در نظام بین‌الملل نوین شد که با مسئله انطباق ساختاری با واقعیت‌های سیستمی جدید و بازتعریف جایگاه و بازبینی رویکردهای سیاست خارجی خود روبه‌رو بودند.

اریک هابسبام^۱ قرن بیستم - از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۱ - را «عصر نهایت‌ها» نامیده است. عصری که وجه مشخص آن، مبارزه ایدئولوژی‌ها بوده است. اما با به پایان رسیدن این عصر، افراط‌گری سیاست ایدئولوژیکی و فرا روایت‌های مربوط به آن پشت سر گذاشته شده است که به سوی نوع بازتر و گفتمانی‌تری از سیاست پیش می‌رود (ساکوا، ۱۳۸۵، ص ۱۳). در سال‌های نخست ریاست جمهوری بوریس یلتسین، گفتمان غالب بر سیاست خارجی روسیه، آتلانتیک‌گرایی بود. سیاست‌های غرب‌گرایانه روسیه در این سال‌ها (۱۹۹۶-۱۹۹۱)، سبب شد تا روسیه برای چند سال، به‌طور کامل خود را در آغوش غرب قرار دهد. آتلانتیک‌گراها به رهبری کوزیروف، منافع ملی و هویت روسیه را در قالب هویت اروپایی و غربی تعریف می‌کردند و منافع روسیه را فقط در توسعه روابط با غرب می‌دیدند. در این دوره سطح روابط مسکو با تهران به شدت کاهش یافت.

پس از شکست گفتمان غرب‌گرا در روسیه، اوراسیاگرایی (۱۹۹۹-۱۹۹۶) جایگزین آن شد و روسیه با چرخشی کامل در سیاست خارجی خود، به رهبری پریماکوف رویکرد «نگاه به شرق» را در پیش گرفت (Crow, 1994, p. 34). در این دوره، همکاری و توسعه روابط با کشورهای آسیایی، به‌ویژه کشورهای نو استقلال حوزه پسا شوروی اولویت یافت. به بیان آشکارتر، با فروپاشی شوروی مدل مطلوب حکومتی روس‌ها، لیبرال دموکراسی بود که در دوران یلتسین به‌صورت چندجانبه و غیرهماهنگ اجرا شد (SRAS, 2010, pp. 4-7). این سیاست از پایان جنگ سرد، تا اواخر دوران ریاست جمهوری بوریس یلتسین با فرازونشیب‌هایی ادامه یافت. روس‌ها انتظار داشتند با کنارگذاشتن ایدئولوژی تقابل‌جویانه مارکسیسم، مرحله جدیدی از سیاست خارجی راهبردی خود را آغاز کند. بنابراین گرایش کلی رهبران روسیه در ابتدای دهه ۱۹۹۰، همان تعریف قبل از فروپاشی و مبتنی بر اندیشه آرمان‌گرایانه و بیشتر ایدئولوژیک روسیه همانند قدرت بزرگ بود که با ترتیبات ساختاری و واقعیت‌های جدید نظام بین‌الملل منطبق نبود.

1. Eric Hobsbawm
2. The Age of Extremes

در نخستین سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی به دلیل حاکمیت تفکر آتلانتیک‌گراها در روسیه و اولویت بالایی که مقام‌های مسکو برای ادغام در نهادهای بین‌المللی و غربی قایل بودند، سیاست خارجی روسیه جایگاه مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران قایل نبود و حتی ایران را به‌عنوان یک کانون تهدید برای منافع خود در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز می‌پنداشت، به‌شکلی که در سال ۱۹۹۳ روابط دو کشور تا مرز قطع شدن پیش رفت (Katz, 2008, pp. 203-205). در این سال‌ها، به دلیل مشکلات داخلی و خارجی، نوع نگاه غرب در تهدیدانگاری ایران، از سوی روسیه پذیرفته شد و ساختارهای دیوان‌سالار نیز بیشتر در پی ارتباط با دولت‌های غربی بود (Katz, 2002, p. 70). رابطه با کشوری چون ایران در روابطشان جایگاهی نداشت. اما به تدریج، نگرش آتلانتیک‌گراها در روسیه زیر سؤال رفت و مسکو برای راضی کردن افکار عمومی داخلی و نشان دادن استقلال عمل خود در نظام بین‌الملل، به توسعه روابط با ایران پرداخت.

در بازی بزرگ جدید^۱، به‌عنوان برآیندی از فروپاشی اردوگاه شرق برای مسکو، توسعه رابطه با ایران به توسعه نفوذش در مسایل بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه در خلیج فارس و خاورمیانه کمک می‌کرد و این نشانه استقلال عمل دولت روسیه در مسایل بین‌المللی بوده است (Rasizade, 2003, p. 49). در واقع، روسیه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی به دلیل نقش ایران در امنیت ملی روسیه، فرصت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک (Mankoff, 2010, pp. 7-18)، جلوگیری از ظهور ترک‌گرایی، یافتن متحد در مسئله جمهوری آذربایجان و طالبان و بازار مناسب ایران (Dinpajouh, 2009, pp. 24-25)، به ایران به چشم یک فرصت برای همکاری می‌نگریسته است که برتری‌های متعددی داشته است.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران هم پس از انقلاب ۱۳۵۷، با گذار از حاکمیت و عقلانیت ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه و گام‌گذاشتن در مسیر واقع‌گرایی و در پی آن، درک نسبی منطق حاکم بر معادلات بین‌المللی و توجه به واقعیت‌هایی چون، تراکم تهدیدهای پیرامونی، مرزهای کنترل‌ناپذیر و نبود حمایت‌های بین‌المللی، با فرصت‌ها و تهدیدهایی در ارتباط با روسیه روبه‌رو شده است. به‌صورت کلی با توجه به این مسایل، روابط تهران-مسکو را

می‌توان در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی طبقه‌بندی کرد که بخش قابل توجهی از همکاری‌های ایران- روسیه، در سطح دوجانبه و در چارچوب روابط اقتصادی قابل تحلیل است. در سطح روابط خرد، در گفتمان سیاست خارجی روسیه، مفاهیم تجارت و فرصت اقتصادی، گزاره‌های محوری در تبیین یا توجیه روابط این کشور با ایران بوده است (Oxford Analytical, 2010, pp. 1-4). حتی از دیدگاه بسیاری از روس‌ها، مخالفت‌های آمریکا و غرب با همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه انرژی هسته‌ای از تمایل این کشورها برای بیرون‌کردن روسیه از بازار ایران است.

بحران‌های اقتصادی فراگیر، هم‌زمان با فروپاشی اتحاد شوروی تثبیت و بازسازی اقتصادی را به مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی روسیه تبدیل کرد. به این دلیل، بسیاری از تحلیل‌گران یکی از مهم‌ترین علت‌های توسعه همکاری‌های نظامی، فنی و اقتصادی میان ایران و روسیه را نیاز شدید صنایع روسیه، به‌ویژه صنایع نظامی و هسته‌ای این کشور به ارزش‌های معتبر می‌دانند. در سطح روابط میانی (منطقه‌ای)، به‌دلیل بروز و وجود بحران‌های مختلف در منطقه و نیز با توجه به موقعیت راهبردی ایران در مرزهای جنوبی روسیه و جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی، مواضع تهران برای مسکو اهمیت دو چندان می‌یابد. روسیه برای کاهش حمایت‌های خارجی از جریان‌های جدایی طلب در برخی جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود و جلوگیری از تبدیل شدن مسئله چچن به یک مسئله اسلامی، در تلاش است تا روابط خود را با کشورهای اسلامی گسترش دهد. بنابراین، موقعیت ایران از یک طرف و خویش‌داری ایران در برابر مسئله چچن و داخلی خواندن این مسئله برای روسیه از سوی دیگر، اهمیت ایران را برای روسیه دو چندان کرده است (Barnes, 2002, pp. 6-7).

افغانستان را می‌توان حوزه‌ای دیگر برای آزمون روابط دو کشور دانست. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی جبهه‌بندی درونی افغانستان برخلاف دوره جنگ سرد که بین اسلام و کمونیسم بود، بین اسلام میانه‌رو و اسلام رادیکال شد. روسیه برای جلوگیری از گسترش تندروی به جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود با جریان میانه‌روی اسلامی در افغانستان هم‌پیمان شد. جریان‌های میانه‌رو در افغانستان، همان گروه قومی بودند که ایران به‌دلایل مختلف از آنها حمایت می‌کرد. به‌همین سبب، افغانستان نیز به یکی از موضوع‌های مهم در روند روابط ایران و روسیه تبدیل شد. به‌ویژه، در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ روابط ایران و روسیه در این مورد بیشترین

نزدیکی را به خود دید. در مجموع، مواضع یکسان دو کشور در مورد بسیاری از مسایل مانند چین، تاجیکستان، حکومت طالبان در افغانستان، گسترش تروریسم در آسیای مرکزی و ورود نیروهای آمریکا به عراق توانست با رشد منافع و روابط اقتصادی دو کشور همگام باشد (Parrott, 2002, p. 1).

روابط ایران و روسیه در سطح کلان (بین‌المللی)، غیر از ضرورت‌های ناشی از نزدیکی جغرافیایی، سابقه تاریخی، همکاری‌های اقتصادی و رقابت منطقه‌ای، به دلیل موقعیت ویژه‌ای است که هر یک در عرصه سیاست بین‌المللی دارند. به عقیده برخی از تحلیل‌گران، روابط ایران و روسیه تابعی از ملاحظه‌های راهبردی روسیه در سطح بین‌الملل است. این کارشناسان معتقد هستند که مسایلی مانند اقدام‌های یک جانبه آمریکا و مسئله گسترش ناتو به شرق، موجب نگرانی روسیه از مزوی‌شدن در سطح بین‌المللی شده است (Rasizade, 2003, p. 49). به همین دلیل، روس‌ها از راه اقدام‌هایی مانند توسعه روابط با ایران، تلاش می‌کنند تا همچنان جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ حفظ کنند. حتی همکاری‌های هسته‌ای با ایران، در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی روسیه در سطح بین‌الملل و افزایش توان تأثیرگذاری این کشور و مقابله با تلاش‌های آمریکا با محدودسازی فضای مانور این کشور در سطح بین‌الملل است (Antonenko, 2001, p. 5) بنابراین همکاری‌های ایران و روسیه، پاسخ راهبردی به تلاش‌های آمریکا برای توسعه نفوذ خود در منطقه است. به همین سبب، برای روسیه گزینه ایران کنونی بر گزینه ایران هم‌سو و یا زیر سلطه غرب برتری راهبردی دارد.

سطح‌های سه‌گانه بین‌المللی، منطقه‌ای و متقابل روابط ایران و روسیه، موقعیت‌ها و شرایط مختلفی را برای دو کشور به وجود آورده است. اما حساس‌ترین بخش روابط دو کشور یعنی روابط در سطح بین‌المللی، امنیتی و امنیت بین‌الملل، بیشترین تأثیر را بر بخش‌های دیگر دارد. همان‌گونه که در جامعه ایرانی، نگاه به رابطه با مسکو به این شکل است که روسیه به تعهدهایش عمل نمی‌کند و آن‌گونه که باید به اعتماد ایران پاسخ نمی‌دهد؛ یک نگاه متقابلی هم از طرف روس‌ها وجود دارد که روابطشان با ایران، محدود به حوزه‌های مشکل‌ساز است. در واقع، نظام بین‌الملل پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ساختار و ترتیبات دقیقی پیدا نکرده است و یک نظام سیال، متحول و درحال شکل‌گیری است. بنابراین حمایت‌ها هم هیچ وقت نمی‌تواند کامل باشد و کشورها در عرصه بین‌الملل در پی ارتقای جایگاه و موقعیت خود هستند. بر اساس سند امنیت ملی روسیه،

روس‌ها بر اساس سیاست‌های عمل‌گرایانه در دنیا رفتار می‌کنند. بدین معنا که مانند زمان اتحاد شوروی بدون در نظر گرفتن فایده، تنها هزینه نمی‌کنند؛ بلکه بر اساس منطق و عقلانیت راهبردی حرکت می‌کنند و طبیعی است که رابطه با ایران نسبی و مقطعی باشد (Pir Center, 2000, p. 4).

با روی کار آمدن پوتین، سه اصل نوسازی اقتصادی، دستیابی به جایگاهی بایسته در فرآیندهای جهانی و بازسازی جایگاه روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جدید، مبنای سیاست خارجی روسیه قرار گرفت که برای تحقق این امر، نظریه قدرت بزرگ هنجارمند که مفهوم میهن دوستی روشن‌بینانه دموکراتیک در آن نقش محوری داشت، به‌عنوان راهبرد جدید سیاست خارجی مطرح شد و برای عملیاتی کردن آن، رویکرد عمل‌گرایی در پیش گرفته شد (Ivanov, 2011, pp. 9-15). این رویکرد در سیاست خارجی بر اصولی چون تأکید بر اقدام، بازی مثبت و نبود تقابل‌گرایی بی‌حاصل، تأکید بر هویت چندگانه و انعطاف‌پذیر، تمرکز بر سازوکارهای کارآمد، توجه جدی به رابطه اقتصاد و قدرت، فرصت‌طلبی راهبردی، درک فزاینده این واقعیت که ضعف، منجر به نفوذ‌پذیری خواهد شد، ایدئولوژی‌زدایی از سیاست خارجی، برتری منافع بر ارزش‌ها، تعامل‌گزینشی و مشارکت در ائتلاف‌های گسترده مبتنی است.

آندره تسوگانکف در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های جدید برای سیاست خارجی پوتین»، از سیاست پوتین با عنوان عمل‌گرایی قدرت بزرگ^۱ یاد کرده و معتقد است این سیاست، بازتاب آرمان روسیه در تبدیل آن به قدرتی جهانی است. او این سیاست را موضعی میانی، بین نظریه همگرایی اورو آتلانتیک‌گراها و نظریه توازن قوای واقع‌گراها و تلاشی برای ایجاد هماهنگی بین گرایش‌های شرقی و غربی سیاست خارجی روسیه می‌داند (کولائی و نوری، ۱۳۸۹، صص ۱۷-۱۵). در واقع، سیاست خارجی روسیه در سال‌های حاکمیت پوتین، بر مبنای یگانگی روش و یا به تعبیری دیکتاتوری قانونی و تلفیق رویکردهای نگاه به شرق و نگاه به غرب، برای ارائه چهره مستقل از روسیه از یک‌سو، عمل‌گرایی و سیاست اقدام از سوی دیگر؛ یعنی موازنه بین هدف‌های سیاست خارجی و منافع و قابلیت‌های داخلی و بازگرداندن موقعیت قدرت بزرگ روسیه (Tsygankov, 2003, pp.105-108) تغییر جهت داده است. در این دوران،

روسیه، سیاست خاورمیانه‌ای خود را در قالب سیاست نگاه به جنوب دنبال می‌کرد که در این سیاست، ایران نقش ویژه‌ای در گسترش نفوذ روس‌ها در خاورمیانه بازی می‌کرد. با وجود سیاست پیچیده روسیه در برابر موضوع هسته‌ای ایران، همچنان همکار اصلی ایران در مسئله هسته‌ای و تأمین‌کننده تجهیزات دفاعی مناسب برای دفاع از تأسیسات هسته‌ای ایران، در برابر حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل است. بنابراین، می‌توان این‌گونه گفت بازی حاصل جمع صفر دوستی و دشمنی سنتی، جای خود را به منطق حاصل جمع رقابت و همکاری بر اساس منافع ملی داده است (Dinpajouh, 2009, pp. 20-28) که اصولی چون دخالت و تأثیرگذاری قدرت سوم در روابط دو کشور، برتری ماهیت ژئوپلیتیک بر ماهیت ژئواکونومیک در روابط دو کشور، تردید نسبت به نهادینه ساختن روابط به دلیل حاکمیت فضای بی‌اعتمادی تاریخی، بر این رابطه حاکم است. بنابراین، سیاست خارجی روسیه حکایت از تحولی مثبت از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی، از بی‌ثباتی به ثبات نسبی و از رهیافت‌های غیرعقلانی به عقلانی داشته است.

در مقابل، سیاست نگاه به شرق ایران در دوران انقلاب و پس از جنگ با عراق که به صورت رادیکال و ایدئولوژیک مطرح بوده است، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی و آغاز هزاره سوم میلادی، به بازتعریف و بازساماندهی از سوی کارگزاران سیاسی و راهبردی ایران رسیده است. این سیاست در سال‌های اخیر، از تفکری تاکتیکی به تفکری راهبردی تبدیل شده است که افزون بر ابعاد اقتصادی و مبادلات تجاری، به روابط سیاسی و دیپلماتیک، امنیتی و دفاعی هم گسترش یافته است تا در برابر غرب به‌عنوان وزنه تعادلی باشد. در واقع، سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های ملی‌گرا، اسلاوگرا و اوراسیاگرا و ضد آتلانتیک‌گرا در روسیه اشتراک‌هایی دارد که به دلیل نگرانی همسایه شمالی ایران از نظام بین‌الملل تک‌قطبی با ثبات هژمونیک آمریکا، مورد استقبال قرار گرفت.

به بیان دیگر، ترجیح روس‌ها از حل مسایل و مشکل‌های خود در سطح جهانی و بین‌المللی، با حضور و نفوذ در نشست‌های بین‌المللی و تعامل با قدرت‌های فرمانطقه‌ای و سایر قدرت‌ها (Voronova, 2010, p. 3) و بکارگرفتن روش و نگاه تاکتیکی نسبت به ایران، همگی برای بهره‌برداری از ادعاهای خود است که در راستای عمل‌گرایی و تغییر راهبردی در سیاست خارجی و روابط خارجی آن قابل تبیین است. همچنین روسیه منطق معادله‌های بین‌المللی امروز را پذیرفته

و تلاش می‌کند آن را در چارچوب نهادها، رژیم‌ها و هنجارهای برآمده از دوران جنگ سرد حفظ کند. در سطح نظام‌های منطقه‌ای در آتلانتیک، پاسیفیک، اوراسیا و خاورمیانه، روسیه تنها اوراسیا را حوزه منافع سیاسی و حوزه امنیت ملی خود می‌داند. به بیان دیگر، مسکو تنها در سطح مناطق فرعی است که برای ایران نقش قایل است. اما ایران به‌عنوان یک نظام سیاسی و عقیدتی تهدیدهای خود را بیشتر در سطح نظام جهانی و بین‌المللی می‌بیند. این امر منجر به سوءتفاهم‌های اساسی در میان تحلیل‌گران روابط دو کشور می‌شود (Katz, 2008, p. 1).

تأثیر راهبردی سیاست‌های عمل‌گرایانه دوره پوتین بر روابط ایران و روسیه را می‌توان در آغاز هزاره سوم مشاهده کرد. روسیه در سال ۲۰۰۰ خروج خود را از تفاهم‌های سال ۱۹۹۵ الگور، معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا و چرنومردین^۱ نخست‌وزیر وقت روسیه که روابط تسلیحاتی مسکو-تهران را منع می‌کرد، اعلام کرد و در عمل آغاز دور تازه‌ای از روابط و همکاری‌ها با ایران را خواستار شد (Freedman, 2006, p. 42). اما در آغاز هزاره سوم میلادی، چند رویداد مهم در سطح بین‌المللی، تأثیر شگرفی بر جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه بر جای گذاشته است. یکی از این رویدادها، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود که سبب ایجاد همکاری نزدیک روسیه و آمریکا و انفعال در رابطه با ایران شد (Vatanka, 2002, pp. 1-3). اما در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، افزایش قیمت جهانی نفت، موضع کرملین در برابر غرب را تقویت کرد و باعث ایجاد فشار روسیه، جهت عقب‌نشینی آمریکا و ناتو از حیات خلوت روسیه و تضعیف رژیم‌های طرفدار غرب در گرجستان و اوکراین شد. در این مورد، الکساندر پیکائف^۲، ابراز داشته است که سیاست‌های تشویقی کارآمدی از سوی ایالات متحده، برای جبران غرامت روسیه که ناشی از کاهش همکاری با ایران بوده است، پیشنهاد نشده است. بنابراین، آمریکا اهرم‌های کارآمدی در راستای فشار بر مسکو برای رهاسازی طرح‌های صنعتی و تکنولوژیک ایران را ندارد (Pikayev, 2001, p. 8).

در پی بروز بحران همکاری در روابط مسکو و واشنگتن حتی روسیه، کشورهای اروپایی را که میزبان تسلیحات سپر دفاع موشکی آمریکا بودند، به استفاده از موشک‌های پیشرفته علیه آنها تهدید کرد. مخالفت و تضاد در روابط مسکو با غرب در جنگ اوت ۲۰۰۸ گرجستان به اوج

1. Gore- Chernomyrdin
2. Alexander Pikayev

خود رسید و روابطشان به پایین‌ترین سطح سقوط کرد. بنابراین، اگرچه ایران و روسیه در برابر نظام نوین بین‌المللی، مخالفت با جدایی‌طلبی قومی، یکپارچگی سرزمینی، ثبات و نفوذ منطقه‌ای، مخالفت با نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تروریسم، دیدگاه‌های مشترک نسبی دارند (Chappell, 2010, pp. 3-9)، اما همگرایی و مشارکت راهبردی ایران و روسیه، کمتر با واقعیت‌ها و عقلانیت موجود در سطح منطقه، بین‌الملل و روابط متقابل دو کشور منطبق است تا جایی که کنستانتین شووالف، ایران‌شناس معروف روسی می‌گوید: «مشارکت راهبردی با ایران برای ما هیچ وقت وجود نداشته و نخواهد داشت و در اصول چنین مشارکتی را ما با هیچ کشوری به جز کشورهای عضو جامعه کشورهای هم‌سود نداریم» (سعیدآبادی، ۱۳۸۹، ص ۱).

بنابراین، مسئله‌ای که باید مورد توجه اساسی قرار گیرد، این است که روسیه به‌شکل سنتی، خواستار وابسته نگه‌داشتن کشورهای حوزه دریای خزر به‌خود بوده و در واقع آن را در قلمرو منافع حیاتی خود می‌داند. و از این راه، همواره در بازی مهم نفت در آسیای مرکزی و قفقاز، در پی ایفای نقش اول بوده است. از این‌رو، با توجه به اهمیت راهبردی و ژئواستراتژیک این منطقه برای روس‌ها، ایران نباید عوامل محدودکننده خود را در موقعیت ژئوپلیتیک شمالی کشور، فقط فرامنطقه‌ای بداند و از فرارگرفتن در حاشیه بازی روسیه خوشحال باشد.

پس از جنگ گرجستان، سیاست خارجی روسیه به‌سوی همکاری با غرب چرخید. چهره اصلی این جریان جدید، دمیتری مدودیف^۱ بود. اساس تفکر وی این بود که روسیه با هدف نوسازی جهت توسعه اقتصادی، به روابط بهتر با جهان ثروتمند، به‌ویژه با آمریکا و اتحادیه اروپا نیاز دارد. راهبرد جدید سیاست خارجی روسیه، محدودیت‌های نفوذ روسیه را، نتیجه مستقیم نبود قابلیت رقابت روسیه در بازارهای جهانی می‌داند. هدف این راهبرد جدید در سیاست خارجی کرملین، جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی با هدف کمک به توسعه اقتصادی روسیه، ارتقای توان رقابتی روسیه در بازارهای جهانی و کاهش وابستگی اقتصاد روسیه به فروش نفت و گاز است (Shevtsova, 2012, pp. 252-255).

جریان جدید در روسیه معتقد است که روسیه باید رویکرد مدودیف را که به «اتحادهای نوسازی»^۲ معروف است، پیگیری کند؛ رویکردی که خواستار برقراری روابط نزدیک با آمریکا و

1. Dmitry Medvedev

2. Modernization Alliances

دولت‌های تأثیرگذار اتحادیه اروپا، برای جذب سرمایه و تکنولوژی از این کشورها است. در همین راستا، روسیه برای کسب حمایت غرب در ماه‌های اخیر، پیمان کاهش تسلیحات هسته‌ای، معروف به استارت جدید را با آمریکا امضا کرد. همچنین، مسکو در تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، با غرب همکاری کرد. به نیروهای درگیر در افغانستان به رهبری آمریکا، خدمات پشتیبانی گسترده‌ای ارائه کرد و مسیرهای جدیدی از خاک روسیه، در اختیار غرب، جهت ارسال تجهیزات به افغانستان قرار گرفت. در واقع، مدودیف که همه از او به‌عنوان دست پرورده پوتین یاد می‌کنند، در عمل به همان راهی رفت که یلتسین رفته بود (Hass, 2009, pp. 9-10).

مدودیف که همواره بر نوسازی روسیه تأکید داشت، بر این باور بود که شکوفایی اقتصاد بیمار روسیه و راه نجات این کشور از جهان‌سومی شدن، در گرو بهبود روابط با غرب است و با این هدف، تلاش می‌کرد تا برخلاف پوتین، در برابر غرب، دیپلماسی همکارانه را در پیش گرفته و در بسیاری از مسایل به‌ویژه در رابطه با ایران با سیاست‌های واشنگتن همسو شده است تا بتواند نظر همکاری غرب را برای سرمایه‌گذاری در روسیه و صدور تکنولوژی به این کشور جلب کند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد با این امید، مدودیف، فرمان اعمال محدودیت‌ها در همکاری با ایران را امضا و از تحویل سامانه اس-۳۰۰ (یادآور قرارداد الگور-چرنومردین) به ایران خودداری کرده است (Trenin & Malashenko, 2010, p. 21) که در مقابل، روسیه بتواند به‌عنوان پاداش، برخی امتیازها از جمله موافقت با عضویت در سازمان تجارت جهانی، لغو اصلاحیه «جکسون-ونیک» کنگره آمریکا (محدودکننده تجارت آمریکا با روسیه) و مشارکت آمریکا در نوسازی اقتصاد روسیه با ارائه تکنولوژی‌های نوین را کسب کند. بنابراین موانع و مشکل‌های موجود در روابط ایران و روسیه سبب شده که این دو کشور هیچ‌گاه نتوانند از ظرفیت‌های واقعی یکدیگر، برای توسعه روابط دو جانبه استفاده کنند. افزون بر مشکل‌های ناشی از عوامل خارجی تأثیرگذار، بخش مهمی از موانع موجود در روابط دو جانبه، ناشی از نداشتن شناخت کافی، ذهنیت‌های منفی و نگاه متفاوت دو کشور به یکدیگر است. همین مسئله سبب شده تا دو طرف نتوانند در مورد بسیاری از منافع مشترک، اتفاق نظر داشته باشند. همچنین برخی اقدام‌ها از سوی دو طرف، به بی‌اعتمادی موجود دامن زد. تأخیرهای مکرر در راه‌اندازی نیروگاه

بوشهر و تحویل ندادن اس ۳۰۰ به ایران از سوی روسیه، سبب شد افکار عمومی در ایران، روسیه را شریک قابل اعتمادی نداند (Parker, 2012, pp. 15-17).

از طرفی ایران نیز در مواردی به شکلی رفتار کرد که باعث شد تا روسیه رویکردهای تهران در برابر مسکو را با ثبات ندانسته و ایران را شریکی قابل اعتماد نداند. رفتار ایران در مورد تعیین مقر سازمان کشورهای صادر کننده گاز را می‌توان نمونه مشخصی از این رفتارها دانست. در حالی که پیشنهاد تأسیس اوجک توسط ایران مطرح شد و در دیدار رهبران ایران و روسیه در تهران مورد بحث قرار گرفته بود، در هنگام رأی‌گیری برای تعیین مقر آن، زمانی که تنها رأی نماینده ایران تعیین‌کننده بود- با وجود توافق‌های قبلی- ایران به قطر رأی داد. همین موضوع سبب شد تا در هنگام انتخاب دبیرکل این سازمان، روسیه نیز در مقابل به ایران رأی ندهد. در نتیجه، ایران که خود مبتکر تأسیس اوجک بود، کمتر نقشی در اداره آن دارد.

بنابراین، این عوامل تنش‌زا و حساسیت برانگیز سبب شده است که روابط ایران و روسیه، هیچ‌گاه ثابت و پایدار نماند. در اثبات بی‌اعتمادی دو طرف به یکدیگر، باید به این نکته اشاره کرد که در یک نظرسنجی که بنیاد افکار عمومی روسیه در ۲۲ و ۲۳ آوریل ۲۰۰۶ انجام داد، ۳۷ درصد مردم، ایران را دوست و ۲۷ درصد آن را دوست ندانسته و ۳۶ درصد هم نظری نداشته‌اند. همچنین در مورد همکاری روسیه با ایران و توسعه انرژی هسته‌ای، ۳۸ درصد موافق، ۲۵ درصد مخالف، ۱۹ درصد بی‌تفاوت و ۱۸ درصد از این موضوع آگاه بودند. ۳۷ درصد مردم ایران را غیرمتجاوز، ۳۴ درصد آن را متجاوز دانسته و ۲۹ درصد نظری نداشتند (FOM, 2006, pp. 1-2).

پیرو چنین سیاست‌ها و ناپایداری‌هایی در روابط ایران و روسیه، دمیتری مدودیف با بازگشت به اصول یلتسین، در مورد گرایش به سوی غرب، با استفاده از ملی‌گرایی روسی در ۱۳ مه ۲۰۰۹، حکم مربوط به راهبرد امنیت ملی روسیه تا سال ۲۰۲۰ را با هدف هماهنگ کردن تلاش‌های نهادهای فدرال و حکومتی زیر مجموعه، سازمان‌ها و شهروندان فدراسیون روسیه در تأمین امنیت ملی تأیید کرد و به دنبال آن راهبرد امنیت ملی، موضوع آیین جدید نظامی روسیه مطرح شد. بر این اساس، در ۵ فوریه ۲۰۱۰، مدودیف رئیس جمهوری وقت، آیین جدید نظامی این کشور و قوانین مربوط به تلاش‌های دولت روسیه در زمینه حفظ بازراندگی هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ را مورد تأیید قرار داد (Wellman, 2010, pp. 2-3) آیین

جدید نظامی روسیه، با توجه به تهدیدهای نظامی جدید در جهان، و احتمال بروز درگیری نظامی، با تکیه بر قدرت هسته‌ای و امکان استفاده از آن، برای مقابله با متجاوزان تکمیل شده است. به همین سبب، گرایش به غرب هم اکنون نیز جزیی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی روسیه شده و رویکرد واقع‌گرایی و عمل‌گرایی پوتین به رهبری مدودیف، رنگ و بوی دیگری به‌خود گرفته است. همچنین اعتبار سیاسی و اقتداری که پوتین در عصر پساکمونیسم به‌دنبالش بود، به‌ظاهر رنگ باخته و در سیاست خارجی مدودیف پیگیری امنیت رفاهی، جایگزین امنیت وجودی شده بود.

در چنین اوضاع ناپایدار و شکننده‌ای، جمهوری اسلامی ایران که در نگاه روس‌ها، هم به‌عنوان رقیب بالقوه روسیه در صدور منابع انرژی به اروپا، و هم به‌عنوان متحد تاکتیکی در برابر آمریکا و کشورهای مستقل هم‌سود^۱ است (Kaczmarek and et al, 2009, p. 1)، با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها در سیاست خارجی خود در منطقه شمال روبه‌رو است. از جمله تهدیدها می‌توان به منافع مشترک آمریکا و روسیه برای حذف ایران از معادلات انرژی در دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز، طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپا، سیاست منطقه‌ای آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایران به سمت شمال، ابهام در رژیم حقوقی دریای خزر و بهره‌برداری بی‌رویه کشورهای ساحلی (Koolae, 2008, p. 9) و تلاش روسیه برای دسترسی مشاع به آب‌های سطحی آن، سیاست روسیه برای جلوگیری از قدرت‌یابی منطقه‌ای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، سیاست همسوی روسیه و آمریکا در برابر برنامه هسته‌ای ایران و در تضاد دیدن آن با منافع راهبردی روسیه، نگرانی روسیه از تبدیل شدن ایران به‌عنوان منبع تأمین گاز اروپا و آمریکا، تداوم همکاری‌های روسیه و آمریکا در آینده بر سر موضوع‌های راهبردی (Katz, 2008, p. 203)، استفاده از الگوی رقابت-رقابت یا همکاری ایران و روسیه در حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد.

در مقابل، فرصت‌های ایران شامل، استفاده از اشتراک‌های دینی، قومی و زبانی در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، بهره‌برداری سیاسی از تشدید واگرایی روسیه و غرب و تلاش

1. Commonwealth of Independent States

برای کاهش امنیت روانی روس‌ها در صورت هم‌سویی آن کشور با سیاست‌های آمریکا، استفاده از ظرفیت چین و هند به‌عنوان کاندیدایی برای رقابت راهبردی با ایالات متحده و روسیه و تغییر وضع موجود در سیاست بین‌الملل، برنامه‌ریزی برای استفاده از نیاز حیاتی آمریکا به گاز روسیه و ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز جهان، پیگیری تبدیل عضویت ناظر ایران در پیمان همکاری‌های شانگهای^۱ به عضویت رسمی، برای تقویت هنجارهای شرقی در برابر غرب، تداوم بهره‌گیری از دیپلماسی تسلیحاتی روسیه و چین در مناطق خاورمیانه، آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی و شرق آسیا است.

بنابراین، روسیه در ژئوپلیتیک شمالی ایران و مسایل خارج نزدیک، در رژیم حقوقی دریای خزر و در راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، از تنگناهای سیاست خارجی ایران در برابر غرب به‌خوبی به‌نفع خود بهره‌برداری کرده است (Freedman, 2010, pp. 6-16) و از شرایط ناپایدار پس از فروپاشی اتحاد شوروی، توانسته گذر کند و به دوره ثبات کنونی دست یابد. این موضوع، شامل دو نکته اصلی است. اول اینکه ظرفیت بالای انطباق‌پذیری با شرایط جدید در هر کشوری، از مهم‌ترین عوامل راهبردی در برنامه‌ریزی‌های ملی است. دوم اینکه، کشورهایی مانند ایران باید تلاش کنند پیش از به‌کارگیری هر رویکرد بین‌المللی، ابتدا در برابر بازی کشورهای بزرگ، به اجماع داخلی در بین نخبگان خود دست یابند تا بتوانند از فرصت‌ها استفاده کرده و از بار تهدیدها بکاهند.

نتیجه

تحولات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در درون روسیه و عرصه بین‌الملل، این‌گونه به روسیه فهماند که هرگز منافع اصلی خود را در سطح بین‌المللی، قربانی منافع خرد و جزئی خود در ایران نکند بنابراین، اطمینان زمامداران ایران از ناحیه دولت‌مردان روسیه، چندان قابل‌اعتماد نیست. زیرا روس‌ها نشان داده‌اند که چگونه جهت دست‌یافتن به هدف‌های کلان خود، راضی شدند حضور و نفوذ آمریکا را در حیات خلوت خود توجیه کنند. در واقع، هر تحلیل منطقی بر این اصل تأکید دارد که منافع روسیه در صورتی بهتر حاصل می‌شود که کشورهای همسایه

1. Shanghai Cooperation Organization

جنوبی آن، تسلیحات هسته‌ای نداشته باشند. از سوی دیگر، بدیهی است که ایران در صورتی می‌تواند اعتماد دیگر کشورهای منطقه را نسبت به خود جلب کند که اصولی شفاف و بی‌تناقضی در سیاست خارجی خود داشته باشد. در طول دوره‌های مختلف، روسیه به ایران به‌عنوان یک کارت بازی نگاه می‌کند که با آن می‌توانست وضعیت متوازنی در برابر رقیب‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد کند.

منتقدان، این نوع نگاه روسی را ناشی از رویه عمل‌گرایی و منفعت‌طلبی روس‌ها می‌دانند که در مواقع لزوم، می‌تواند آن را کنار بگذارد. اما در مقابل، لحن و نگاه برخی دیگر، در اصل تندتر و خشن‌تر است و ایران را به‌دیده تهدید می‌نگرند که در آینده نه تنها می‌تواند تهدیدی برای روسیه شناخته شود، بلکه فرصت‌های موجود را هم از بین ببرد. از نگاه این پژوهشگران، ممکن است آمریکا با ایران هسته‌ای کنار بیاید و آن‌گونه که برخی آمریکایی‌ها می‌نویسند و معتقد هستند، یک ایران هسته‌ای می‌تواند مسئولانه‌تر و همانند بازیگری خردمند عمل کند و در نتیجه راه برای همکاری بین دو کشور باز شود و درنهایت روسیه در مقابل ایران هسته‌ای تنها بماند (Katz, 2009, pp. 2-3; Heydmann, 2010, p. 35). بر این اساس، روس‌ها نیز ایران را به چشم کشوری می‌بینند که توجه به غرب به‌صورت جدی برای آن مهم است و ممکن است با برقراری ارتباط با جهان غرب به‌ویژه آمریکا، به جمع محاصره‌کنندگان روسیه بپیوندد. از طرفی، آشنایی نداشتن جامعه روس با ایران، سبب شده که آن را به دیده تهدید بنگرند؛ به‌شکلی که در نظرسنجی‌ها معمولاً نگاه به ایران چندان دوستانه نیست (Saivetz, 2006, pp. 9-10).

در واقع، روابط دو کشور ایران و روسیه مسئله‌ای مهمی به‌نام تفاوت سطح و تقابل ادراک دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بدین معنا که ایران به روسیه بیش از هر چیز، به‌عنوان یک دولت برای محدودسازی تهدیدهای غرب نگاه می‌کند. براین اساس، نگاه ایران به روسیه، کلان-محور و در سطح بین‌المللی است تا محدودیت‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی نسبت به ایران را کم‌رنگ‌تر کند. در حالی که روسیه بیشتر به برتری‌های رابطه با ایران در مسایل منطقه‌ای و دوجانبه توجه دارد و تا جایی رابطه با ایران را حفظ می‌کند که برای کشورش هزینه‌ای نداشته باشد.

اما مسئله‌ای که برای ایران در رابطه با روسیه اساسی است، این است که جمهوری اسلامی ایران باید نگاهی واقع‌بینانه به روسیه داشته باشد و با به‌کار بردن سیاست خارجی فعال، پویا،

مدیریتی و منطبق با عقلانیت موجود در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای الگوی تعامل سازنده و رقابت راهبردی را در رابطه با روسیه برجسته کند. بر این اساس، از منظر آینده‌شناسانه، سیاست خارجی مستقل جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه سیاست داخلی منسجم و تکیه بر نیروهای ملی، توان آن را دارد که در صحنه روابط بین‌الملل به ایفای نقش بپردازد. بر اساس سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، ایران باید به‌سوی کشوری قدرتمند در منطقه، با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل پیش برود. بنابراین، بدون داشتن تعامل سازنده و مؤثر با بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، نمی‌توان به این هدف نهایی دست یافت.

منابع

الف- فارسی

۱. ساکوا، ریچارد (۱۳۸۵)، *پساکمونیسیم*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: انتشارات آشیان.
۲. سعیدآبادی، علیرضا (۱۳۸۹)، «استراتژی روس‌ها: از فروپاشی شوروی تا بازسازی امپراطوری و آثار آن بر ایران»، برگرفته از سایت <http://www.shafaf.com>، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۱/۱۰/۱۰).
۳. کولائی، الهه و علیرضا نوری (۱۳۸۹)، «عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی پوتین»، *مجله سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۲۲۸-۲۰۹.

ب- انگلیسی

1. Antonenko, Oksana (2001), «Russian Military Involvement in the Middle East», *Meria Journal*, Vol. 5, No. 1, pp. 1-18, Available at: www.meria.com/article, (Accessed on: 11/4/ 2013)
2. Barnes, Joe (2002), «Terror, Oil and Geopolitics: The Evolving U.S- Russian-Iranian Triangle», the James a. Baker III, Institute for Public Policy of Rice University, **Post September 11 Update Report**, pp. 1-23, Available at: <http://www.post-September-11-update-report/article.org>, (Accessed on: 10/4/ 2013)
3. Barylski, Robert V. (1994), «the Russian Federation and Islamic Crescent», *Europe- Asia Studies*, Vol. 46, No. 3, pp. 382-403, Available at; www.eurasia-asia-studies.ir, (Accessed on: 6/5/2011)
4. Chappell, Gareth (2010), «Turkey, Russia and Iran: Common Interests, Common Positions?», *Reports and Analyses*, Center for International Relations, pp. 1-15,

- Available at: <http://www.reports-and-analyses-center-for-international-relations.org>, (Accessed on: 8/8/2011)
5. Crow, Suzanne (1994), «Russia Promotes the CIS as an International Organization», **RFE/RL Research Report**, Vol.3, No.19, Available at: www.rfe/rl-russia-promotes-cis-international-organization, (accesses on, 4/4/2011).
 6. Dinpajouh, Mona (2009), **Russian Foreign Policy Towards Iran under Vladimir Putin: 2000-2008**, M.A Thesis, Submitted to the Graduate School of social Science of Middl East Technical University.
 7. Friedman, George (2010), «The Coming Conflict with Russia», **The Journal of International Security Affairs**, No. 17, pp. 6-16, Available at; <http://www.journal-of-international-security-affairs.com>, (Accessed on: 2/12/2012)
 8. Freedman, Roberto(2006), «Putin, Iran and the Nuclear Weapons Issue», **Problems of Post- Communism**, Vol. 53, No. 2, pp. 33-51, Available at; www.postcommunism.org, (Accessed on: 10/9/2012)
 9. Hass, Marcel (2009), «Medvedev's Security Policy», **Russian Analytical Digest**, No.62, Available at: [Http://www.rad-de.org](http://www.rad-de.org), (Accesses on: 18/11/2011).
 10. Heydmann, Steven and et al (2010), «Iran's Regional and Global Relations», **Working Group Papers**, pp. 33-37, Available at; <http://www.iran-regional-and-global-relations/articles.com>, (Accessed on: 6/9/2011)
 11. Ivanov, Igor (2011), «What Diplomacy Does Russia Need in the 21th Century?», **Russia in Global Affairs**, No. 4, pp. 3-21, Available at: www.crfa-article.com, (Accesses on: 9/10/2012).
 12. Kaczmarek, Marcin, Ewa Paszyc and Wojciech Gorecki(2009), «Iran's Position in Russia's Foreign Policy and Russian- American Relations», **CES Commentary**, Vol. 15, No. 4, pp. 1-6, Available at: <http://www.ces-osw-waw-pl-commentary.org>, (Accessed on: 10 Jun. 2013)
 13. Katz, Mark N. (2008), «Russian- Iranian Relations in the Ahmadinejad Era», **Foreign Policy**, Available at: [Http://www.foreign-policy-article/ir](http://www.foreign-policy-article/ir), (accesses on, 10/11/ 2010).
 14. Katz, Mark N. (2002), «Russian- Iranian Relation in the Putin Era», **Demokratizatsiya**, Vol. 10, No. 1, pp. 69-81, Available at; www.demokratizatsiya.com, (Accessed on: 25/4/2012)
 15. Katz, Mark N. (2009), «Obama's Approach to Russia and Iran», **Middle East Papers**, No. 8, pp. 1-7, Available at: <http://www.middle-east-papers.html>, (Accessed on: 15/6/2011)
 16. Katz, Mark N(2013), «Russia, Iran and Central Asia: Impact of the U.S Withdrawal from Afghanistan», **Iran Regional Forum**, No. 3, Elliott School of International Affairs, The George Washington University, pp. 1-4, Available at: <http://www.iranregionalforum.org>(Accessed on: 10/3/ 2013)
 17. Koolae, Elaheh (2008), «Iran and Russia», **Conference on Russia and Islam**, Edinburgh, pp. 1-12, Available at; <http://www.CRI.com>, (accessed on: 12/4/ 2013)
 18. Mankoff, Jefferey (2010), «Generational Change and the Future of U.S- Russian Relations», **Journal of International Affairs**, Vol. 63, No. 2, pp. 7-18, Available

- at:<http://www.generational-change-and-the-future-of-US-russian-relations.com>,
(Accessed on: 8/9/2010)
19. Moore, Eric Daniel (2012), **The Crisis of Cooperation: A Critical Analysis of Russian- Iranian Relations in the Post- Soviet Era**, M. A Dissertation in Political Science, Portland State University.
 20. Oxford Analytical (2010), «Russia/ Iran" Energy Ambitions Motivate Bushehr Launch», **Oxford Research Daily Brief Service**, pp. 1-6, Available at:<http://www.oxfordanalytical.org>, (Accessed on: 16/4/2012)
 21. Parker, John W. (2012), «Russia and Iranian Nuclear Program: Reply or Breakthrough?», Institute for National Strategic Studies: **Strategic Perspectives**, No. 9, National Defense University Press, Washington, D.C, Available at: www.Strategicperspectives.com, (Accessed on: 4/4/2012)
 22. Parker, J. W(2008), **Persian Dreams: Moscow and Tehran since the Fall of Shah**, Washington, D.c: Potomac Books, Inc.
 23. Parrott, Stuart (2002), «Central Asian/ Caucasus: Iran Builds Regional Bridges», Cited in: <http://www.rfer.org>, (Accesses on: 12/4/2012).
 24. Pikayev, Alexander(2001), "Strategic Dimensions of the Russo- Iranian Partnership", **The Monitor**, The Center for International Trade and Security, Vol. 7, No.1, pp.1- 26, Available at; www.themonitor/article.html.com, (Accessed on: 11/ 3/ 2013)
 25. Pir Center (2000), «About Russian- Iranian Cooperation in Sensitive Area», **Executive Intelligence News Letter Security Issues**, Vol. 4, No. 20(86), pp. 1-8, Availabl at: [http:// www.about-russian-iranian-cooperation-in-sensitive-area/articles.com](http://www.about-russian-iranian-cooperation-in-sensitive-area/articles.com), (accessed on: 10/4/2012)
 26. Rasizade, Alex (2003), «the Specter of a New Great Game in Central Asia», **Foreign Service Journal**, No.1-2, pp. 40-57, Available at; www.foreignservice.org, (Accessed on: 12/8/2010)
 27. Russian Polling Institute FOM (2006), Available at: <http://www.bd.fom.ru/tb>, (Accessed on: 12/5/2010)
 28. Saivetz, Carol (2006), «Russia's Iran Dilemma», **Russian Analytical Digest**, No.6, Available at: <http://www.rad-de.org>, (accesses on, 14/9/2010).
 29. Shevtsova, Lilia (2012), «The Next Russian Revolution», **Current History**, Vol. 111, No. 747, pp. 251-257, Available at: www.currenthistory.org (Accessed on: 10/10/ 2012)
 30. SRAS(2010), «The Military Doctrine of the Russian Federation Approved by Russian Federation Presidential Edict on 2010», Available at: <http://www.sras.org/military-doctrine-russian-federation-2010>,(Accesses on,; 24/12/2011).
 31. Trenin, Dmitri and Alexey Malashenko (2010), **Iran: a View from Moscow**, Carnegie Endowment for International Peace. Washington, D.c.
 32. Tsygankov, A.P (2003), «Mastering Space in Eurasia: Russia's Geopolitical Thinking after the Soviet Break up», **Communist and Post- Communist Studies**, Vol.36, pp.101- 127, Available at: <http://www.mastering-space-in-eurasia-russia-geopolitical-thinking-after-the-soviet-break-up.com>, (Accessed on: 10/19/2011)

33. Vatanka, Alex (2002), «Russia's Relations with Iran Approach a Reckoning Point», Cited in: <http://www.purasianet.org>, (Accesses on: 11/4/2010).
34. Voronova, Marina (2010), «Russia's Uneasy Relationship with Iran», **Global Green USA**, pp.1-10, Available at: <http://www.globalgreen.org/html>, (Accessed on: 10 /4/ 2013)
35. Wellman, Ariel Ferrar (2010), «Russia – Iran Foreign Relations», Available at: www.Foreignrelation-articles-Iran-Russia-de/com, (Accesses on: 2/4/ 2010).